

# قیمتهای جهانی نفت و فرصتهای ایران

کمیته اقتصادی مؤسسه یاس

## مقدمه

از ابتدای سال ۲۰۰۴ میلادی (دی ماه ۸۲) بازار جهانی نفت شاهد افزایش کم سابقه قیمت‌ها بود. به گونه‌ای که سرانجام در میان ناباوری در زمستان ۲۰۰۵ (۱۳۸۳) قیمت نفت خام سبک مرز ۵۰ دلار در هر بشکه را پشت سر گذاشت. در پایان اسفندماه ۸۳، شاخص سبد نفتی ایک نیز به بالاترین رقم خود یعنی حدود ۴۹ دلار در هر بشکه رسید. با توجه به نقش استراتژیک نفت در معادلات اقتصادی و سیاست بین‌الملل، بایسته آن است که ضمن تحلیل عناصر این افزایش شدید و شناخت تأثیرات چند جانبه آن، در پی استفاده بهینه از این فرصت تاریخی بر آییم. بویژه آنکه بیشتر کارشناسان نفتی افزایش میان مدت (تا ۲۰۰۷ میلادی) و روند تثبیت قیمت‌های جدید (بین ۴۰ تا ۵۰ دلار در هر بشکه) را برای آینده بلندمدت پیش‌بینی کرده‌اند.

## الف - دلایل افزایش قیمت جهانی نفت

ابتدا به دلایل پایدار و اساسی در نوسان بازار نفت می‌پردازیم:

### الف - ۱. بهبود وضعیت اقتصاد جهانی و رشد تقاضا

براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول (IMF) رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۴ نزدیک ۵ درصد بود که این مقدار بالاترین سطح رشد در ۳۰ سال اخیر است. همچنین سطح رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۵ نزدیک ۴/۵ درصد پیش‌بینی شده است. این روند رشد اثر

محسوس بر تقاضای نفت داشته است. به طوری که بنابر پیش بینی سازمان اپک، رشد تقاضای نفت در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی به ترتیب ۲/۶ و ۱/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. دو جدول ۱ و ۲ تا حدودی گویای رابطه رشد اقتصاد جهانی و رشد تقاضای نفت می باشد.

جدول ۱- نرخ رشد اقتصادی جهان (درصد)

سال	جهان	هفت کشور صنعتی	آمریکا	ژاپن	منطقه یورو
۲۰۰۵	۳/۷	۲/۲	۳/۱	۲/۷	۰/۴
۲۰۰۴	۴/۸	۳/۵	۴/۵	۴	۱/۸
۲۰۰۳	۳/۴	۲/۹	۳/۷	۲	۲/۲

جدول ۲- برآورد عرضه و تقاضای جهانی نفت (میلیون بشکه در روز)

تقاضای جهان	عرضه اپک	عرضه غیر اپک	متوسط ۲۰۰۳	متوسط ۲۰۰۴	متوسط ۲۰۰۵
۷۹/۷	۲۶/۸	۵۲/۹	۷۹/۷	۸۲/۴	۸۳/۹
۲۶/۸	۲۶/۸	۵۲/۹	۲۶/۸	۲۷/۹	۲۷/۶
۵۲/۹	۲۶/۸	۵۲/۹	۵۲/۹	۵۴/۵	۵۶/۲

آژانس بین المللی انرژی یکی از موتورهای رشد تقاضای نفت خام را اقتصاد چین دانسته که رشد سریع اقتصادی اش (۹ درصد در دو سال گذشته) موجب رشد ۴۰ درصدی واردات نفت شده و اکنون چین پس از آمریکا دومین وارد کننده بزرگ نفت جهان است. رشد تقاضای فرآورده های نفتی در هند و رشد واردات نفت آمریکا (حدود ۱۵ درصد در سالهای اخیر) از دیگر ملاکهای بخش تقاضای انرژی به شمار می روند.

## الف - ۲. کاهش نقش آمریکا در تعدیل قیمت

عدنان شهاب، مدیر بخش تحقیقات اپک اظهار می دارد: «ما تصور می کنیم که جهان تا سال

۲۰۲۵ به طور متوسط رشدی معادل ۳/۵ درصد در سال داشته باشد. در این میان پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه ۵ درصد در سال و نزدیک به ۲ برابر رشد ۲/۴ درصدی کشورهای عضو OECD خواهد بود. بنابراین پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۰۵ نزدیک به ۲۸ میلیون بشکه در روز افزایش یابد و به ۱۱۰ میلیون بشکه برسد که ۱/۵ درصد رشد سالیانه دارد. براساس این پیش‌بینی اگرچه کشورهای عضو OECD بالاترین میزان تقاضای جهانی نفت را به خود اختصاص خواهند داد، اما حدود ۸۰ درصد از افزایش تقاضای جهانی در طول ۲۰ سال آینده، مربوط به کشورهای در حال توسعه و در رأس آنها چین و هند خواهد بود. همچنین در تحلیل بخشی، در دو دهه آینده بخش حمل و نقل حدود ۶۰ درصد افزایش تقاضای جهانی نفت را به خود اختصاص می‌دهد. قابل توجه است که مجموع سهم اروپا و آمریکا از تقاضای جهانی نفت طی دو دهه گذشته نزدیک به ۱۵ درصد کاهش داشته است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تغییر نقاط مرکزی اقتصاد جهانی موجب شده که صادرکنندگان نفت بیش از پیش بازارهای آتی خود را در مشرق جستجو کنند و به خریداران بزرگ در حال توسعه مایل شوند. همین مسأله موجب کاهش تأثیر فشار دولت ایالات متحده برای جلوگیری از افزایش بهای نفت گردیده است. همچنین برخی مسائل سیاسی مانند تیره شدن روابط سیاسی عربستان با آمریکا و بدبینی سعودی‌ها موجب شده که دیگر آمریکا نتواند به واسطه عربستان (که نقش رهبر را در کارتل اپک دارد) در تعدیل روند رشد قیمت‌ها مداخله نماید. با توجه به چشم‌انداز اقتصادی، سیاسی جهان، انتظار می‌رود که این کاهش نقش آمریکا در سلطه بر بازار نفت و مداخله در ساز و کار قیمت جهانی ادامه یابد. بدین ترتیب می‌توان آن را رفع مانع برای رشد بهای نفت دانست.

### الف - ۳. کم‌کشش بودن عرضه و مشکلات تولید

اگرچه حدود چهار پنجم ذخایر اثبات شده نفت خام جهان در کشورهای عضو اپک واقع شده و بهره‌برداری از آنها به مراتب کم‌هزینه‌تر از ذخایر غیر عضو اپک است، اما برداشت فزاینده و مستمر از میادین نفتی و عدم سرمایه‌گذاری مناسب در دو دهه اخیر موجب نگرانی از جهت

## یادمان دوست



توانایی عرضه برای تأمین تقاضای آتی جهان شده است. یک جهت این نگرانی مربوط به ظرفیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری بخش نفت است. مثلاً کشتش عرضه برای بزرگترین صادر کننده نفت یعنی عربستان چندان بالا نیست و از حدود ۱۰ میلیون بشکه تولید بالفعل تا حداکثر ۱۵ میلیون بشکه ظرفیت بالقوه خواهد بود. در حالیکه اگر عربستان بخواهد نقش رهبری اوپک را در ۲۰۲۵ داشته باشد، باید ظرفیت عرضه ۲۵ میلیون بشکه در روز را داشته باشد زیرا پیش‌بینی می‌شود تولید اپک به حدود ۵۵ میلیون بشکه در روز برسد.

جهت دوم نگرانی آن است که اغلب میادین مهم نفتی جهان با پشت سر گذاشتن نیمه اول عمر خود، وارد نیمه دوم فعالیت شده‌اند که در این نیمه هزینه‌های تولید به مراتب بیشتر خواهد بود. میادین کشف شده در سالهای اخیر نیز، اغلب کوچک و پرهزینه هستند و انتظار می‌رود توان تولیدی را به طور طبیعی کاهش دهند. توسعه میادین نفتی و افزایش توان تولید خاورمیانه که در مجموع به کشتش پذیری عرضه می‌انجامد، نیازمند همکاری کشورهای مصرف‌کننده با صادرکنندگان در جهت تأمین منابع مالی و

دکتر سعید احدی فر در سال ۱۳۳۸ در شهرستان اهواز متولد شد و در بجنوبه‌ی دفاع مقدس از دلاوران جنگ و یکی از فعالان سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز و یک فرهنگی با سابقه در خوزستان و شهر اهواز بود که حال و هوای درس و بحث او را به ترک دیار و مرکزنشینی وا داشت. ایشان از معدود پذیرفته شدگان دوره کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران بود که این دوره را با موفقیت در سال ۷۱ به پایان رسانیده و به دلیل علاقه‌ای که به مسائل مربوط به نفت داشت؛ حوزه بین‌الملل وزارت نفت را محل خوبی برای خدمتگزاری یافت. وی با تلاش وافر در دوره اول دکتری روابط بین‌الملل واحد

←

علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شد و به عنوان پژوهشگری علاقمند و کوشا در حوزه تخصصی بین‌المللی نفت به تحقیق و پژوهش پرداخت. بعد از اتمام تحصیلات و دفاع از رساله‌ی دکترای، سریعاً جذب دانشگاه شد و به عنوان استاد نیمه وقت در دانشگاه آزاد واحد مرکز مشغول به تدوین عنوان درسی مورد علاقه‌اش یعنی مسائل سیاسی و اقتصادی نفت شد.

ایشان علاوه بر همکاری با وزارت نفت به عنوان نماینده این وزارتخانه سفری به سنگاپور داشته و در یک سال اخیر نیز به عنوان کارشناس خبر مسائل نفتی با شبکه خبر همکاری نزدیکی داشته و از سوی کمیسیون نفت و انرژی مجلس و همچنین کمیته اقتصادی مؤسسه فرهنگی - هنری یاس مورد مشاوره قرار می‌گرفت. دکتر سعید احدی فر بعد از سالها تلاش علمی مستمر در صبح روز شنبه ۸۴/۲/۱۷ در اثر سانحه رانندگی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. ضمن عرض تسلیت خدمت خانواده‌ی محترم ایشان و جامعه‌ی دانشگاهی کشور و گرامی داشت یاد آن عزیز سفر کرده، مقاله زیر تقدیم می‌گردد.



تکنولوژی مورد نیاز می‌باشد.

#### الف - ۴. محدودیت بخش پایین دستی و ظرفیت پالایش

آنچه که بیش از تقاضای نفت خام در بخش تقاضایی نقش آفرینی کرده، کمبود نفت سبک و شیرین و فرآورده‌های مهم پالایشی مانند بنزین است. زیرا افزایش ظرفیت‌های پالایشی جهان هماهنگ با افزایش تقاضا صورت نگرفته و کشورهای صادرکننده نفت نیز به دلیل ضعف مدیریت تکنولوژی و منابع مالی، قادر نیستند خلأ بخش پایین دستی را جبران نمایند. آمار نشان می‌دهد ظرفیت پالایشی جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ تاکنون رشد زیادی نداشته و از سوی دیگر به دلیل مهم بودن فرآورده‌های مرغوب پالایشی، افزایش تولید نفت خام کشورهای صادرکننده نتوانسته کاهش قابل توجهی در قیمت‌های نفت پدید آورد. به بیان دیگر در اوضاع کنونی افزایش یا کاهش قیمت فرآورده‌های نفتی است که موجبات نوسانات قیمت‌های نفت خام را فراهم می‌کند. اکنون سرمایه‌گذاری جدی برای عرضه محصولات پالایشی اهمیت ویژه دارد زیرا هم افزایش تقاضای پیش‌بینی شده را جابگو خواهد بود و هم جانشینی برای کاهش

طبیعی منابع موجود نفت و اطمینان بخشی از ظرفیتهای اضافی به شمار می‌رود و هم سهم سود کشورهای صادر کننده را از ارزش افزوده بخش نفت بالا می‌برد و تا حدی زیانهای ارزان فروشی را جبران خواهد کرد. زیرا واقعیت آن است که سطح اخیر قیمت نفت از نظر قیمتهای واقعی با توجه به نرخ تورم هنوز به سطح اواخر دهه ۱۹۷۰ نرسیده است.

## الف - ۵ - نگرانی از تأمین نیاز آتی بازار جهانی

به گزارش دبیرخانه سازمان اپک تقاضای جهانی نفت از ۷۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱۱۴ میلیون بشکه در ۲۰۲۵ خواهد رسید که بیانگر ۳۷ میلیون بشکه تقاضای اضافی در روز است. سؤال مهمی که اذهان مصرف کنندگان را به خود مشغول کرده، منابع تأمین تقاضای اضافی آتی است. این نگرانی را با عبارت «امنیت عرضه بلندمدت نفت» در گزارشهای جهانی خواهید یافت. براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) سالانه باید ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت و گاز صورت گیرد که بخش اعظم آن برای حفظ

یک تحلیل فشرده

## شیوه‌های مبادلات نفت خام

### در بازارهای بین‌المللی

(۲۰۰۴ - ۱۹۱۰)

دکتر سعید احدی فر\*

برای تجارت نفت خام فیزیکی در بازارهای بین‌المللی باید مسائل بسیاری را مورد توجه قرار داد از جمله:

- ۱- قیمت گذاری نفت خام
  - ۲- شاخص قیمت در بازار
  - ۳- ساختار قیمت
  - ۴- بررسی هزینه حمل و آربیتراژ برای محمولات فیزیکی
  - ۵- ارزش نفت خام و عواملی که قیمت آن را تعیین می‌نمایند همچنین چگونگی ارتباط آن با استفاده از شاخص قیمت مورد نظر می‌باشد.
- لازم بذکر است در بازار فیزیکی، معاملات دو جانبه بوده و براساس مذاکرات قراردادی فیما بین طرفین، توافق می‌شود در حالیکه در بازار سلف (FORWARD) علی‌رغم دو جانبه بودن قراردادها، معاملات براساس شرایط و مقررات استاندارد صورت می‌گیرد لیکن در بازارهای بورس، مبادلات بدون شناخت طرفین از یکدیگر و از طریق CLEARING انجام می‌گردد.

**\* در معاملات بازار فیزیکی جنبه‌های زیر ملاک عمل می‌باشند:**

- ۱- نوع قرارداد
- ۲- کیفیت نفت خام یا فرآورده‌های نفتی مورد مبادله
- ۳- جغرافیایی بازاری که در آن مبادله صورت می‌گیرد
- ۴- نوع مکانیزم قیمت گذاری



\*. کارشناس ارشد مسائل بین‌المللی نفت

بعلاوه قیمت نفت خام تحت تاثیر عوامل عرضه و تقاضای جهانی، همچنین وضعیت اقتصاد جهانی از نقطه نظر ماکرو و بعلاوه پیش بینی وضعیت آینده اقتصاد جهانی است ضمن آنکه قیمت گذاری براساس جغرافیای بازار تعیین می گردد.

#### \* روند تحولات قیمت گذاری نفت خام

۱- قبل و بعد از جنگ جهانی دوم قیمت گذاری نفت در بازار فیزیکیال توسط شرکت های عمده نفتی تعیین میگردد و قرار دادهای بلند مدت بر اساس قیمتهای اعلان شده در بازار انجام میگرفت.

۲- در اوائل دهه شصت با تاسیس اوپک، قیمت گذاری نفت خام براساس قیمت های رسمی فروش که توسط اعضاء اوپک تعیین میگردد، انجام می شد.

۳- از اوائل دهه هشتاد سیستم مزبور کارائی خود را در بازار از دست داد و بعد از این قیمت نفت خام براساس ارزش خالص فرآورده های استحصالی در بازار تک محموله تعیین می شد.

۴- از اواسط دهه هشتاد به بعد قیمت گذاری نفت خام بر حسب قیمت های تک محموله در بازار انجام می شد.

۴- هم اکنون نیز قیمت گذاری با ایجاد بازارهای سلف و بازارهای بورس بر حسب قیمت های این بازارها محاسبه می گردد.

با توجه باینکه اغلب تولیدکنندگان نفت خام در بازار فیزیکیال گزینه فروش بصورت FOB را در مقابل فروش بصورت سیف پاساختارهای متفاوت قیمت گذاری پیش روی خود دارند، ترجیح میدهند. که فروش آنها بر مبنای FOB در بازار صورت گیرد، زیرا فروش بصورت فوب در بازار از شفافیت بیشتری نسبت به قیمت های سیف (CIF) برخوردار می باشد.

نحوه قیمت گذاری نفت خام بصورت FOB براساس

←

ظرفیتهای کنونی است. این گزارشها حاکی است که سهم منطقه کلیدی خاورمیانه از این سرمایه گذاریها بسیار کمتر از حد لازم می باشد.

دلایل گذرا و دوره ای در افزایش قیمت جهانی نفت:

#### الف - ۶ - تحولات سیاسی - نظامی در خاورمیانه

صاحب نظران بازار جهانی نفت معتقدند که بخشی از افزایش قیمتهای اخیر به دلیل ناآرامی های سیاسی - نظامی در منطقه بزرگترین تولید کنندگان نفت است. بویژه آشوبگریهای آمریکا و اسرائیل، ضریب ریسک این منطقه حساس را افزایش داده زیرا تداوم تولید نفت و گاز این منطقه با نگرانی هایی توأم شده است. واضح است که با وقوع هر اتفاق ناگوار که تولید کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس را متاثر نماید، نگرانی ناشی از آن سراسر مصرف کنندگان نفت و گاز را فرا گرفته و اخبار این تحولات بازارهای بورس نفت را با التهابات و نوسانات شدید قیمت مواجه می سازد. اشغال نظامی عراق نه تنها بر امنیت این کشور و منطقه اضافه نکرده بلکه دامنه ناامنی و تهدیدهای آمریکا تمام منطقه را در

برگرفته است. ضمن آنکه با همه اقدامات بازسازی نفت عراق، میزان تولید نفت عراق هنوز به سطح قبل از اشغال باز نگشته است و اخبار ناامنی‌های عربستان و گسترش عملیات خرابکارانه در این کشور نیز تهدیدی برای عرضه نفت به حساب می‌آید.

همچنین تحلیل دیگری که در مورد زمینه‌های سیاسی افزایش قیمت جهانی نفت در بین برخی صاحب‌نظران وجود دارد، توافق آمریکا و روسیه بر سر اشغال عراق است. به این معنا که با توجه به نقش‌آفرینی چند شرکت فراملیتی مشخص در بازار نفت و گاز، ایالات متحده به منظور جلب نظر روسیه در خصوص حمله نظامی آمریکا به عراق، موافقت نموده که در یک زدوبند پنهانی و از طریق همان شرکت‌های عظیم نفتی، در میان مدت قیمت‌های جهانی نفت را افزایش دهد و بدین ترتیب این امتیاز سیاسی به آمریکا از طریق رشد درآمد نفتی روسیه جبران شود.

## الف . ۷ . کاهش ظرفیت‌های مازاد

### تولیدی

در سالهای اخیر ظرفیت‌های مازاد تولیدی که به عنوان سوپاپ اطمینان اصلی بازار نفت عمل کرده‌اند به تدریج کاهش یافته و اخیراً به

بندر بارگیری و قیمت نفت خام شاخص مرتبط به آن صورت گرفته و دیفرانسیل میان نفت خام شاخص با نفت خام مورد معامله براساس ارزش نفت خام در پالایشگاه بازار مصرف تعیین می‌گردد.

در حالیکه فروش به روش سیف براساس محاسبه هزینه حمل اولیه و ثانویه، ضایعات اعم از ضایعات اقیانوسی و ضایعاتی که در نتیجه نقل و انتقال محموله انجام می‌شود و نیز هزینه‌هایی نظیر هزینه بندری، هزینه بیمه نفت خام، نرخ بهره از زمانیکه محمولات نفتی در بندر مبدا بارگیری تا زمانیکه در بندر مقصد تخلیه میشوند، را شامل می‌شود.

**\*- برای مقایسه قیمت نفت خام فیزیکی با قیمت نفت خام بازار بورس که تحت قراردادهای FUTURES می‌باشد:**

۱- هزینه حمل

۲- نحوه تعیین دوره بارگیری

۳- اسناد حمل

۴- حجم مورد مبادله

۵- دموراژ (برای نفت خام فیزیکی) ملاک عمل می‌باشد.

**\*- در حالیکه برای قراردادهای FUTURES:**

۱- میزان LIQUIDTY

۲- هزینه عملیات کارگزاران بازار بورس برای انجام معاملات

۳- میزان قراردادهای مورد مبادله

۵- میزان سپرده گذاری لازم جهت انجام معاملات

(Margin) ملاک عمل می‌باشد.

در قراردادهای مورد مبادله در بازارهای

FUTURES دانستن زمان انقضای قرارداد، حجم هر

قرارداد، نحوه خرید یا فروش آن که می‌تواند بصورت

LONG یا SHORT باشد، دیفرانسیل قیمت قرارداد





مورد مبادله با قیمت قراردادهای ماههای قبل یا بعد، نحوه تسویه حساب و همچنین اطلاع از وضعیت FORWARD CURVE اهمیت ویژه‌ای دارد. منظور از درک صحیح FORWARD CURVE آنست که تا چه اندازه بازار در حالت BACKWARDTION یا CONTANGO قرار دارد.

**\*- بازار برنت دارای سه بازار است:**

**۱- بازار فیزیکی** نفت خام برنت براساس مقررات زمان حمل آن مشخص و قیمت آن می‌تواند ثابت (FIXED PRICE) و یا مرتبط به قیمت بازار FORWARD باشد.

**۲- بازار سلف (FORWARD)** برنت، قیمت بصورت ثابت (FIXED PRICE) بوده و ارزش آن در آخر هر روز طی ۳۰ دقیقه از طریق نشریه PLATTS و براساس مبادلات بازار به وقت نیویورک از ساعت ۵ تا ۵/۳۰ بعد از ظهر ارزیابی می‌شود و محمولات آن می‌تواند بصورت کامل و یا بصورت PARTIAL مورد مبادله قرار گیرد محمولات بازار FORWARD برنت غالباً تسویه حساب نقدی (BOOK-OUT) می‌شوند ولی تعدادی از آنها به فیزیکی تبدیل می‌گردند.

**۳- بازار FUTURES** واحد استاندارد محمولات نفت خام برنت مورد مبادله براساس یک LOT (۱۰۰۰ بشکه) بوده و با قیمت ثابت (FIXED PRICE) مورد معامله واقع می‌شوند این محمولات می‌توانند از طریق مکانیزم EFP به محمولات فیزیکی تبدیل شوند ولی غالباً ۹۹ درصد آنها تسویه حساب نقدی SETTLEMENT CASH می‌شوند. علاوه بر مبادلات بازارهای فوق می‌توان از اختلاف میان قیمت بازارهای بورس و FORWARD نیز استفاده کرد که این مبادلات توسط معامله گران در بازار OTC انجام می‌شود. زیرا قیمت

←

کمتر از یک میلیون بشکه در روز رسیده است. یعنی اگر به دلیل حوادث طبیعی یا سیاسی، عرضه نفت یکی از کشورهای عمده صادر کننده نفت قطع شود امکان جبران آن وجود ندارد. سطح ظرفیتهای مازاد اپک در اواسط دهه هشتاد میلادی حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز بود، اما با افزایش تقاضا و عدم سرمایه‌گذاری مناسب، این ظرفیت‌ها مورد استفاده قرار گرفت. مصرف کنندگان نفت سعی دارند مقدار افزایش تقاضا را بیش از واقع جلوه دهند و تولید کنندگان رابه سرمایه‌گذاری بیش از نیاز، تشویق کرده تا خود از منافع ظرفیتهای مازاد و افزایش ضریب امنیت عرضه برخوردار شوند. این در حالی بوده که بیشتر بار امنیت عرضه نفت بر دوش اعضاء اپک بوده اما آنها کمترین سود را برده و نقش تنظیم کننده تعادل بازار را داشته‌اند. یعنی صادر کنندگان غیر اپک با آخرین ظرفیت خود تولید می‌کردند و منبع اولیه تأمین نیاز مصرف کنندگان بودند.

کاهش ذخایر استراتژیک ایالات متحده نیز از عواملی است که به صورت کوتاه مدت یا در زمان اوج مصرف بنزین (فصل بهار) یا فصل سرما در افزایش بهای نفت جهانی تأثیرگذار بوده و هست. جدول ۳ ظرفیت مازاد تولیدی

جدول ۳- ظرفیت مازاد تولیدی اپک را در  
چهار دهه اخیر (میلیون بشکه در روز)

سال	ظرفیت تولید	ظرفیت مازاد اپک
۱۹۶۱	۱۰/۱	۹/۳
۱۹۷۰	۲۵/۳	۲۳/۴
۱۹۸۰	۳۲/۷	۲۶/۸
۱۹۹۰	۲۷/۵	۲۳/۲
۲۰۰۰	۳۲/۳	۲۸/۵
۲۰۰۴	۳۱	۳۰/۱۹

اپک را در چهار دهه اخیر نشان می دهد.

ب. آثار مثبت و منفی افزایش  
قیمت نفت

برخی تحلیلگران معتقدند که نوسانات اخیر برخلاف میل و منافع کشورهای وارد کننده نفت صورت گرفته است لیکن بررسی جنبه های مثبت و منفی افزایش قیمت در افقی بلند مدت، گویای آن است که چنین تحلیلی چندان عمیق نمی باشد.

طبیعی است که نخستین تأثیر مثبت افزایش قیمت کالا به فروشندگان آن باز گردد. البته در مورد نفت لازم به ذکر است که قیمت واقعی نفت در طول دو دهه گذشته همواره رو

نفت خام برنت DATED که برنت فیزیکی است در حقیقت معادل قیمت برنت در بازار FUTURES یا FORWARD بعلاوه یا منهای ارزش زمانی (VALUE TIME) آن است همینطور ارزش دیگر نفت خامهایی که مرتبط به برنت DATED می باشند تنها از طریق دیفرانسیل مربوطه از فرمول فوق الذکر تبعیت می نمایند.  
\* دیفرانسیل قیمت هر نفت خام با برنت DATED نیز بر حسب:

- ۱- تغییرات قیمت فرآورده های استحصالی آن در بازار
- ۲- میزان عرضه و تقاضا
- ۳- تغییرات در پنجره آربیتراژ
- ۴- تغییر در ساختار بازار از CONTANGO به BACKWARDATION و بالعکس تغییر می کند.

تولید کنندگان و مصرف کنندگان نفت خام در بازارهای FORWARD و FUTURES به منظور پوشش ریسک خود، از این قرار دادها بهره می گیرند بعنوان مثال قراردادهای CFD یکی از آنهاست و اصولاً به معاملاتی که برای برنت DATED در مقابل برنت FORWARD و همینطور معاملاتی که برای برنت DATED در مقابل برنت FRONT و همچنین برای برنت DATED در مقابل نفت خام یورال انجام می شود CFD می گویند. در حقیقت عبارت از FOR DIFFERENCES CONTRACT می باشد و نوعی SWAP محسوب می شود زیرا:

فروش یا خرید یک دوره خاص که معمولاً یک هفته یا ماه است به قیمت ثابت یا شناور انجام می گیرد. برای مثال فرض می کنیم:

- ۱- شرکت A نفت خام برنت را به قیمت FIXED مثلاً ۵۰.۲۸ دلار در هر بشکه به شرکت B می فروشد.

←

۲- و در مقابل شرکت B نفت خام برنت را به قیمت FLOATING از شرکت A خریداری می‌نماید. پس از انجام معاملات فوق چنانچه میان قیمت FIXED و FLOATING اختلاف وجود داشته باشد، اختلاف مزبور را در حجم قرارداد ضرب نموده و طرفین با یکدیگر تسویه حساب می‌نمایند:

مثلاً اگر میانگین ۵ نرخ برنت (ING PRICE - FLOAT) ۲۸ دلار شود و حجم مورد معامله در بازار FORWARD ۵۰۰۰۰ بشکه باشد.

نتیجتاً: سود شرکت A از انجام این CFD برابر خواهد بود با:  $28 \times 50000 = 1400000$  دلار

\* - معاملات SWAP به چهار طریق زیر در بازار صورت گیرد:

۱- فروش / خرید به قیمت ثابت در مقابل خرید / فروش به قیمت شناور.

۲- فروش / خرید به قیمت شناور در مقابل خرید / فروش به قیمت شناور.

۳- فروش / خرید به قیمت شناور در مقابل خرید / فروش قراردادهای FUTURES.

۴- فروش / خرید به قیمت ثابت در مقابل خرید / فروش قراردادهای FUTURES.

معاملات SWAP بلحاظ آنکه تسویه حساب نقدی میشوند، نمی‌توانند دارای تحویل فیزیکی باشند.

مثال دیگر در مورد CFD با مکانیزم پیچیده تر بشرح ذیل می‌باشد:

۱- اگر شرکت A دیفرانسیل میان برنت DATED با BRENT بازار سلف را مثلاً ۱۸ سنت در هر بشکه به شرکت B بفروشد.

۲- شرکت A از شرکت B میانگین اختلاف برنت DATED با برنت بازار سلف را خریداری نماید.

←

به کاهش بوده و طبق محاسبه کارشناسان اگر تنها بخواهیم نرخ تورم متوسط جهانی را لحاظ کنیم، هم اکنون باید هر بشکه نفت حدود ۹۰ دلار خرید و فروش شود. سطح پیشین قیمتها چنان از جهت رابطه مبادله بازرگانی (TOT) به زیان کشورهای صادر کننده بود که دو بشکه نفت خام در مقابل یک بشکه آب معدنی و هر چهار بشکه نفت با یک بشکه نوشابه غربی مبادله می‌شد. از اینرو افزایش قیمت نفت می‌تواند تاحدی بهره‌کشی تاریخی از اقتصادهای متکی بر منابع طبیعی را جبران نماید.

از سوی دیگر بسیاری از مراجع جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) با نگرانی از روند صعودی مذکور، تداوم روند را موجب رکود در اقتصاد جهانی و شوک عرضه می‌دانند. چنانکه کاهش ارزش دلار و افزایش بهای نفت و فرآورده‌هایش باعث تورم داخلی در آمریکا، بالا رفتن نرخ بهره و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری و تولید خواهد شد. اما این نگرانی بی‌مورد می‌نماید. زیرا اولاً در حالی که سال ۲۰۰۴ بالاترین بهای نفت در بازارهای جهانی وجود داشت، رشد اقتصادی جهان و از جمله آمریکا نیز در یکی از بالاترین نرخها بود و این شاهد نقضی است بر رابطه ساده سازی

شدن میان بهای نفت و ضربه به رشد اقتصادی. ثانیاً افزایش قیمتها در این برهه چندان شتابان نبود که موجب شوک مهمی در عرضه شود. شوک نفتی سال ۱۹۷۳ در حالی رخ داد که به فاصله چند هفته، قیمت نفت حدود پنج برابر گردید. همچنین پیشرفت فناوریهای تولید و انتقال و پالایش در برهه کنونی به نحوی است که سودآوری آن بسیار بیشتر شده و حداکثر زیان متصور کاهش درصدی از سود هنگفت شرکتهای فراملیتی است. آمار حاکی است که شرکت BP در سال گذشته میلادی، ۹ میلیارد دلار سود خالص داشته است. دلیل دیگر، عدم انتقال اثر دو برابر شدن قیمت نفت به مصرف کنندگان فرآوردههای نفتی و بنزین در اروپا و آمریکاست. در این خصوص برخی تحقیقات اقتصادی جدید\* باور عمومی به رکودزایی شوکهای نفتی را از جهت روندهای اقتصاد آمریکا مورد تردید قرار داده‌اند. به اعتقاد آنان گرچه افزایش قیمت نفت می‌تواند در کوتاه مدت موجب تورم گردد اما الگوی بلندمدت رابطه بین نرخ تورم و افزایش قیمت نفت دارای روند دیگری است.

از سوی دیگر این افزایش قیمت نفت

در خاتمه چنانچه میانگین برنت DATED مثلاً ۲۸.۰۶۸ دلار گردد و میانگین برنت بازار سلف ۲۷.۹۱۸ دلار شود. اختلاف میان قیمت برنت DATED با برنت بازار سلف پانزده سنت در هر بشکه میشود که اگر این رقم از هیجده سنت در هر بشکه کسر گردد، سه سنت در هر بشکه سود شرکت A خواهد بود.

#### \* آربیتراژ در بازار می‌تواند به دو صورت باشد:

۱- آربیتراژ مکانی و آن هنگامی پدید می‌آید که قیمت یک نفت خام در دو بازار با یکدیگر (با احتساب هزینه حمل) متفاوت بوده و این موجب می‌گردد تا نفت خام از بازاری که ارزانتر است خریداری و در بازاری که قیمت آن گرانتر است بفروش برسد. عملیات خرید و فروش تا زمانی در این بازار ادامه می‌یابد که قیمت در دو بازار بگونه ای شود که دیگر خرید و فروش محمولات میان دو بازار صرفه اقتصادی نداشته باشد.

۲- آربیتراژ زمانی هنگامی پدید می‌آید که قیمت در یک فاصله زمانیدچار تغییر گردد مثلاً بین زمان بارگیری در بندر مبداء با زمان تحویل در بندر مقصد تغییراتی حادث گردد.

اکنون بدلیل وجود بازارهای FORWARD و FUTURES در آسیا، اروپا و آمریکا آربیتراژ میان نفت خامهای نظیر دویی، WTI و برنت در بازار بشدت رواج یافته است. بعنوان مثال:

هنگامیکه اختلاف میان قیمت دبی در بازار آسیا و برنت FORWARD به گونه ای که پنجره آربیتراژ بسمت بازار خاور دور باز می‌گردد.

#### فرض اول:

۱- اختلاف میان دویی و برنت در بازار FORWARD مثلاً ماه اوت ۲.۳۰ دلار در هر بشکه باشد.

۲- و هزینه حمل از اروپا به آسیا حدود ۲ دلار در هر بشکه ارزیابی گردد.

\* Robert Barsky and Lotz Kilian

با انجام محاسبات ذیل خواهیم داشت :  
چنانچه قیمت BONNY LIGHT نیجریه برای دوره  
بارگیری ۲۲-۲۰ ژوئن برابر با ۰.۵۱ DTD BRENT +  
باشد.

۳- و اختلاف برنت DATED با برنت ماه اوت ۳۰ سنت  
در هر بشکه در نظر گرفته شود. قیمت محموله  
LIGHT BONNY در بازار FORWARD عبارت خواهد بود از:

$$\text{BRT "AUG"} = \text{BRT DTD} + 0.30$$

$$\text{DTD BRT} = \text{IPE BRT "AUG"} - 0.30$$

$$\text{"LIGHT BONNY"} = \text{BRT DTD} + 0.15$$

محموله فیزیکی در ماه ژوئن

$$\text{LIGHT BONNY} = \text{IPE BRT "AUG"} - 0.30 + 0.15$$

$$\text{LIGHT BONNY} = \text{BRT "AUG"} - 0.15$$

و اگر چنانچه اختلاف قیمت‌های نفت خام برنت و دبی در  
بازار FORWARD برای ماه اوت را ۲.۳۰ دلار در بشکه  
در نظر بگیریم:

$$\text{BRT "AUG"} - \text{DUB "AUG"} = 2.30$$

$$\text{BRT "AUG"} = \text{DUB "AUG"} + 2.30$$

$$\text{LIGHT BONNY} = \text{DUB "AUG"} + 2.30 - 0.15$$

$$\text{LIGHT BONNY} = \text{DUBAI "AUG"} + 2.15$$

**\*- روش دیگر محاسبه از طریق GPW:**

چنانچه قیمت نفت خام یورال بر حسب GPW در بازار  
رتدام ۲۵.۳۰ دلار در بشکه فرض شود و قیمت برنت  
DATED ۲۶.۵۰ دلار در هر بشکه فرض شود.

خواهیم داشت قیمت نفت خام یورال بر حسب GPW.

= قیمت نفت خام یورال بر حسب GPW

$$\text{BRT DATED} - 0.80$$

**\*\* محاسبه قیمت نفت خام یورال بر حسب**

**GPW در بازار HOUSTON امریکا:**

بافرض محاسبه GPW برای نفت خام یورال در بازار مزبور

←

موجب بالارفتن هزینه‌های تولید برای  
اقتصادهایی مانند چین می‌شود که اندکی هم  
از قدرت رقابت آنها خواهد کاست. قابل توجه  
است که اکنون ایالات متحده باکسری  
تراز تجاری ۱۶۰ میلیون دلاری از سوی چین  
مواجه است و جهانگیر شدن محصولات چینی  
(که از مزیت نیروی کار ارزان برخوردار است)،  
واکنشهای اقتصادی مهمی را از سوی اتحادیه  
اروپا و آمریکا در پی داشته است. برای مثال در  
فوریه ۲۰۰۴ واردات نفت خام چین نسبت به  
زمان مشابه در سال گذشته ۶۰ درصد افزایش  
و واردات فرآورده‌های نفتی مانند گازوئیل (با  
کارکرد سوخت تولیدی) ۸۰ درصد رشد  
داشته است. مشابه چنین مشکلی برای  
اقتصادهای نوظهور دیگر مانند هند نیز وجود  
دارد. حتی برخی کارشناسان شرایط  
اقتصادهایی چون آلمان و فرانسه را نیز در  
معرض خطر می‌دانند.

از دیگر آثار افزایش قیمت‌ها که در  
بلندمدت برای مصرف کنندگان نفت مثبت  
تلقی می‌شود، مسأله امنیت عرضه نفت در  
بلندمدت است. به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری  
در صنعت نفت جهان و بویژه ثابت ماندن  
تقریبی ظرفیتهای پالایشی جهان، روند عمر  
نزولی میادین بزرگ نفت موجب شده که

آینده عرضه نفت بسیار تیره و تاریک باشد. این در حالی است که وابستگی اقتصاد آمریکا به نفت وارداتی تا سال ۲۰۲۰، ده درصد افزایش می‌یابد و چین که در سالهای اخیر نزدیک ۴۰ درصد تقاضای جهان برای نفت خام را به خود اختصاص داده و واردات یک سوم مصرف کشور را تشکیل می‌دهد و هم چین و هم هند به شدت دنبال منابع انرژی در خارج از کشورهایشان هستند. این تصویر موجب شده که نیاز هرچه بیشتر به سرمایه‌گذاریهای نفت برای پوشش تقاضای آتی یک ضرورت نگران‌کننده گردد. بویژه آنکه اکتشافات، حفاریها، استخراج و پالایش نفت مناطق جدید، محتاج دشواریهای بیشتر و هزینه‌های بالاتر است. بدین ترتیب گران شدن نفت، می‌تواند بهترین عامل برای توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاریهای جدید و در نتیجه تأمین امنیت عرضه بلندمدت نفت باشد.

### ج - فرصتهای اقتصادی - سیاسی ایران

آنچه در موضوع افزایش سطح قیمت‌های نفت برای کشورهای صادرکننده مانند جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است، نحوه مواجهه با این فرصت می‌باشد. تجربیات توسعه

معادل ۲۶.۹۰ دلار قیمت نفت خام FRONT LINE WTI ۲۷.۸۰ دلار در هر بشکه فرض گردد. قیمت یورال در بازار HOUSTON بر حسب قیمت نفت خام WTI عبارت خواهد بود از:

= قیمت نفت خام یورال بر حسب GPW  
WTI (LINE FIRST) - 0,90

#### \* محاسبه قیمت نفت خام یورال بر حسب GPW در بازار آسیا:

محاسبه قیمت در بازار آسیا بر اساس محاسبات GPW برای نفت خام ها در بازار سنگاپور می‌باشد.

چنانچه ارزش GPW برای هر بشکه نفت خام یورال ۲۶.۴۰ دلار در سنگاپور فرض گردد. و قیمت نفت خام دبی اولین ماه (نفت خام دویی در بازار FORWARD) ۲۶.۶۰ دلار در هر بشکه باشد. قیمت نفت خام یورال بر حسب قیمت نفت خام دبی در بازار سنگاپور عبارت خواهد بود از:

قیمت نفت خام یورال بر حسب GPW در بازار سنگاپور = DUBAI + 0,20

#### \* مثالی از آربیتراژ میان بازار اروپا و آمریکا:

چنانچه محموله نفت خام یورال بر حسب قیمت نفت خام برنت DATED خریداری گردد. و خواستار فروش محموله نفت خام یورال فوق در بازار آمریکا بر حسب WTI باشند. بدین معنا که در حقیقت معامله گران خواهان خرید محموله نفت خام یورال به قیمت ING-FLOAT بوده و همچنین خواهان فروش آن به قیمت FLOATING می‌باشند. در اینصورت برای پوشش معاملات خود در برابر تغییرات بازار در زمان باز بودن آربیتراژ نیاز به (HEDGE بیمه) مبادلات خود بشرح ذیل می‌باشند:

نسبت به خرید نفت خام برنت FUTURES در



بازار IPE معادل میزان خرید یورال اقدام نموده و همزمان نسبت به فروش قراردادهای FUTURES نفت خام WTI در بازار NYMEX معادل میزان محموله نفت خام فیزیکی اقدام می‌نمائیم.

در این شرایط دو معادله خواهیم داشت:

**\*- یک طرف در بازار فیزیکی**

فروش یورال در بازار امریکا	خرید یورال از اروپا
«دوره تحویل ۲۴ - ۲۲ سپتامبر» یا فرض (COD ۲۴ سپتامبر)	«دوره بارگیری ۵-۱۰ سپتامبر (یا فرض B/L در ۱۰ سپتامبر)»
دوره قیمت گذاری ۵ نرخ پس از اتمام تخلیه	دوره قیمت گذاری ۵ نرخ بعد از تاریخ B/L
قیمت فروش WTI "NOV" - 2.30	قیمت خرید «فرضی» BRT DTD - 1,80 BRT DTED - IPE BRT (NOV) = 0,45 BRT DTED = IPE BRT (NOV) + 0,45 URL=IPE BRT NOV-1.35

**\*- طرف دیگر در بازار FUTURES می‌باشد که**

بشرح ذیل است:

بمنظور FIXED نمودن اختلاف قیمت میان بازار اروپا و امریکا در زمان باز بودن آربیتراژ اقدامات ذیل را انجام می‌دهیم.

۱- نسبت به خرید قراردادهای IPE برنت نوامبر فرضاً به قیمت ۲۹.۵۰ دلار در هر بشکه اقدام می‌نمائیم.

۲- همزمان نسبت به فروش قراردادهای WTI نوامبر فرضاً به قیمت ۲۸.۲۰ دلار در هر اقدام می‌نمائیم.

۳- از آنجائیکه اختلاف قرارداد های WTI و برنت ماه نوامبر در بازار FUTURES برابر با ۱.۷۰ در بشکه می‌باشد. در حقیقت اختلاف این دو نفت خام در سطح ۱.۷۰ در هر بشکه ثابت FIXED شده است.

WTI(NOV) - IPE BRT(NOV) = 1,70

←

اقتصادی نشان داده است که بر خورداری تنها از مزایای طبیعی مانند منابع نفت و گاز و سرازیر شدن درآمدهای دلاری نمی‌تواند به استحکام توسعه بنیادی و بلندمدت اقتصادی - سیاسی - اجتماعی کشور منجر شود. از سوی دیگر بنابر نظریات علم اقتصاد، روند صعودی قیمت‌های نفت نیز اینگونه باقی نخواهد ماند و به اصطلاح ما با پدیده جهش افراطی (Overshooting) روبرو هستیم. یعنی به دلیل انباشت عوامل، یک جهش ناگهانی و بسیار زیاد رخ می‌دهد اما به مرور از اثر آن کاسته می‌شود لیکن در نهایت در سطحی بالاتر از سطح قیمتی پیشین به تعادل می‌رسد. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان چند پیشنهاد راهبردی را برای بهره‌گیری از این فرصت ارائه داد. ما پیشنهادهای خود را به اختصار در دو حوزه فرصت‌های توسعه اقتصادی ملی و فرصت‌های مربوط به صنعت نفت بیان می‌کنیم:

### ج-۱. فرصت‌های بخش نفت و گاز

برهه افزایش قیمت نفت، شرایط مساعدی را برای اصلاح ساختارهای ناکارا در بخش نفت و گاز کشور فراهم می‌کند. صنعت نفت ایران حیاتی‌ترین صنعت کشور و بدون شک،

حجم‌ترین بخش اقتصاد کشور است. همچنین آورنده ارز خارجی، ریشه نهایی واردات، منشأ ذخایر خارجی و ثروت جاری و امانتدار بزرگترین ثروت طبیعی کشور ایران می باشد. به موازات این جایگاه، ناکارایی یا فساد در این بخش نیز ضمن خیانت به سرمایه ملی و بین نسلی یا زیانهای کلان اقتصادی را به دنبال دارد.

اولین راهبرد، تحول نظام خام فروشی نفت است که خدمتی بزرگ به ثروت ملی ایران خواهد بود. درحالیکه تبدیل نفت خام شور و سنگین به نفت سبک و ایجاد ارزش افزوده از طریق فرآورده‌های اصلی مانند بنزین، درآمد بالقوه کشور را از نفت چندین برابر افزایش می دهد، هنوز اهتمام به پالایش نفت و حداقل سازی خام فروشی، اهتمام جدی سیاستگذاران صنعت نفت نمی باشد. واردات بیش از یک سوم بنزین مصرفی کشور گویاترین شاهد بر این امر است. همچنین با وجود ۲۲ درصد سهم بخش نفت در تولید ملی، سهم اشتغال آن کمتر از ۷ درصد بوده است که نمی توان تمام این اختلاف را به حساب سرمایه بر بودن بخش نفت

IPE BRENT (NOV) = WTI(NOV) - 1,70

URL = IPE BRT "NOV" - 1.35

URL = WTI "NOV" - 1,70 - 1.33

URL = WTI(NOV) - 3.05

از آنجائیکه فروش یورال در بازار فیزیکی (۲۰۳۰- WTI نوامبر) صورت گرفته و در معادله بالا قیمت یورال بر اساس (۳۰۵- WTI نوامبر) خریداری شده، اختلاف خرید و فروش یورال در بازار فیزیکی بر حسب WTI هفتاد و پنج سنت برای معامله گران سود داشته است. حال بمنظور آنکه ریسک قیمت های خرید و فروش یورال از طریق بازار FUTUERS پوشش داده شود بر اساس حجم قرارداد فیزیکی که فرضاً یک میلیون بشکه در نظر گرفته میشود. مقدار مزبور تقسیم بر تعداد روزهای قیمت گذاری که پنج روز می باشد. اقدام می نمائیم.

بدین معنا که در هر روز نسبت به فروش ۲۰۰ هزاربشکه یا ۲۰۰ LOTS در بازار برنت IPE (در دوره قیمت گذاری محموله فیزیکی - پنج روز بعد از B/L) باید اقدام نمائیم.

همچنین نسبت به خرید روزانه ۲۰۰ LOTS در بازار NYMEX در دوره قیمت گذاری فروش محموله فیزیکی اقدام می نمائیم.

#### \*- مثالی از آربیتراژ میان اروپا و آسیا

چنانچه محموله نفت خام یورال بر حسب قیمت نفت خام DTD برنت خریداری گردد و خواستار فروش محموله مزبور در بازار آسیا بر حسب قیمت نفت خام دبی باشیم عملیات ذیل را می توان انجام داد.

\*- ابتدا برای پوشش آربیتراژ در هنگام باز بودن آن نسبت به انجام معاملات ذیل اقدام می نمائیم

الف: نسبت به خرید نفت خام برنت FUTUERS در

←



بازار IPE معادل میزان محموله فیزیکی (برنت)  
FUTUERS اقدام نمائیم.

ب : و همزمان نسبت به فروش قراردادهای دیبی در بازار  
FORWARD معادل میزان محموله فیزیکی یورال  
اقدام می نمائیم.

آنگاه دو معادله خواهیم داشت:

خرید یورال از بازار اروپا	فروش یورال در بازار آسیا
دوره بارگیری یورال (۵-۱۰) با فرض B/L در دهم سپتامبر	دوره تحویل یورال ۲۴-۲۲ سپتامبر (بافرض COD در روز ۲۴ سپتامبر)
دوره قیمت گذاری پنج نرخ پس از تاریخ B/L	دوره قیمت گذاری پنج نرخ پس از اتمام تخلیه
= قیمت خرید نفت خام یورال DTD BRT - 1.80	= قیمت فروش نفت خام یورال DUBAI (FIRST LINE) + 0.95

حال با فرض آنکه داشته باشیم:

$$DTD BRT - BRT NOV = 0,40$$

$$DTD BRT = BRT NOV + 0,40$$

$$URL = BRT DTD - 1,80$$

$$URL = BRT NOV + 0,40 - 1,80$$

$$URL = BRT NOV - 1,40$$

همچنین با فرض اینکه :

$$BRT NOV - DUBAI NOV = 1,35$$

$$BRT NOV = DUBAI NOV + 1,35$$

$$URL = DUBAI NOV + 1,35 - 1,40$$

$$URL = DUBAI NOV - 0,05$$

با خرید قراردادهای برنت IPE نوامبر فرضاً به قیمت

۲۶.۵۵ دلار در هر بشکه و فروش قرار دادهای دیبی

نوامبر فرضاً به قیمت ۲۰.۲۵ دلار در هر بشکه که قبلاً

به منظور FIXED کردن قیمت این دو نفت خام (دیبی و

برنت نوامبر) نسبت به خرید و فروش آنها اقدام نمودیم

اختلاف آن ۱.۳۵ دلار در هر بشکه FIXED شده است.

←

گذاشت. این سستی سیاستگذاران  
صنعت نفت یانفع محوری شرکت ملی  
نفت ایران، کار را به آنجا کشید که  
مجلس در بودجه ۱۳۸۴ ساز و کاری  
جهت تشویق شرکت ملی برای پرهیز  
از خام فروشی طراحی نمود!

دومین راهبرد اصلاح مدیریت  
غیرشفاف، غیر پاسخگو، انحصار جو و  
رانت طلب در ساختار وزارت نفت  
می باشد. همین پنهان کاری و عدم  
شفافیت موجب شده که هیچگاه  
مسائلی چون قراردادهای بیع متقابل  
بهینه نشود و حتی مدیران ارشد  
وزارتخانه تا اواسط دهه ۱۳۷۰ از  
محتویات دقیق آن مطلع نباشند.  
انحصارجویی ساختاری نیز تا آنجاست  
که روند خصوصی سازی در این صنعت  
بیش از بخشهای دیگر کسالت بار  
است و ما پس از چندین دهه نه تنها  
یک شرکت خصوصی ایرانی که مطرح  
باشد نداریم بلکه در مورد تشکیل  
شرکتهای چند ملیتی از مکزیک،  
چین و مالزی هم عقب تر قرار داریم.  
راهبرد سوم استفاده از درآمدهای  
نفتی برای سرمایه گذاریهای مهم و

ماندگار نفتی و گازی می‌باشد. طبق برخی اظهارنظرها برای بالفعل سازی ظرفیتهای این صنعت ما به نزدیک ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز داریم و طبق برآوردها سرمایه‌گذاری ناکافی و فناوری کهنه موجب خواهد شد سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه از ظرفیت تولید نفت کشور کاسته شود.

بنابراین در یک افق بلندمدت افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بویژه در جهت ارتقاء فناوریهای نفت و گاز و تربیت نیروهای متخصص و کارشناسان و مشاوران اقتصادی. فنی از مهمترین اولویتهای این صنعت ملی و منبع تجدید ناپذیر ثروت به شمار می‌رود.

## ج - ۲. فرصتهای اقتصادی و توسعه ملی

نفت و گاز به عنوان سرمایه‌های ملی باید در خدمت توسعه ملی و به عنوان موتور رشد اقتصادی و قدرت بین‌المللی مطرح باشند. بنابراین می‌توان در کنار توسعه ارزشها، از منافع بلندمدت اقتصادی به عنوان مبنای سیاست خارجی کشور نام برد. در این میان باید نقش بهینه نفت و اولویت استفاده از آن را در چارچوب مدیریت کلان توسعه ملی تعیین

حال با در نظر گرفتن این مسئله در حقیقت قیمت خرید یورال عبارت است از:

DUBAI NOV - 0,05

و فروش آن به قیمت:

DUBAI NOV + 0,95

اقدام کرده ایم که در اینجا یک دلار در هربشکه سود عاید گردیده است.

حال برای آنکه ریسک قیمت‌های خرید و فروش یورال از طریق بازار FORWARD و FUTUERS پوشش داده شود. براساس حجم قرارداد فیزیکی که فرضاً یک میلیون بشکه است مقدار مزبور را بر تعداد روزها دوره قیمت‌گذاری که پنج روز است، تقسیم می‌نمائیم.

بدین معنا که نسبت به فروش روزانه ۲۰۰ هزار بشکه یا ۲۰۰ LOTS در بازار IPE در دوره قیمت‌گذاری خرید محموله فیزیکی اقدام می‌نمائیم. همچنین روزانه نسبت به خرید ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام دبی یا هشت قرارداد PARTIAL نفت خام دبی یا عمان در بازار FORWARD در دوره قیمت‌گذاری محموله فروخته شده اقدام می‌نمائیم. با این عملیات ریسک قیمت برای معاملات فوق از میان می‌رود.

## منابع

### فارسی

۱- احدی فر، سعید، «هجینگ (معاملات تأمین) و مکانیسمهای گوناگون قیمت‌گذار جهانی نفت آن در بازارهای بین‌المللی نفت، امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران - ۱۳۸۳.

۲- احدی فر، سعید، استراتژیهای نوین بیمه قیمت نفت بکمک مکانیسم‌های گوناگون SWAP، اموری بین‌الملل، شرکت ملی نفت ایران - ۱۳۸۲.



۳- احدی فر، سعید، «روند تحولات تکنولوژیک در فرایندهای پالایشی و اثرات آن بر تقاضا و قیمت نفت» مصاحبه با تلویزیون ج.ا.ایران - ۱۳۸۰.

#### انگلیسی

- 1- Background Brief On EC Energy Situation, OAPEC Bulletin, II, No2, Vol, (Feb 1985).
- 2- BP And Shell Resume Products Lifting From Iran"
- 3- Buyers Resistance threatens Iran Price. Middle East Economic Survey, Vol xxiii, No 27 (21 April 1980).
- 4- Curt Gasteyger, the Future For European Energy Security (London: Frances Printer, 1985).
- 5- Dr.Subroto. "Opening Address To The 72nd Meeting Of The Conference". Opec Bulliten. Vol XV, No 10 (Dec 1984 Jan 1985).
- 6- Gasteyger, The Future For Uropean Energy Security (London: Frances Printer, 1985).
- 7- Ian Seymour, OPEC, instrument of change (London: Macmillan Press 1980).
- 8- International Petroleum Encyclopedia, 1982 (Tulsa: Penn Well-Publishing Co., 1982).
- 9- Japan Program For Representative From Developing Countries, OAPEC Bulletin, Vol, 10, No. 2.
- 10- Latest Oil Development In The EC And Prospects For Euro-Arob Cooperation. OAPEC Bullerin, Vol, 10, No. 5, (May 1984).
- 111- World Bank Staff working paper, development Prospects of Capita-Surplus Oil Exporting Countries, No. 483, (Washinton D.C.: World Bank, 1981).



و تفسیر نمود. با این نگرش می‌توان به برخی راهبردهای اقتصادی و بین‌المللی اشاره کرد:

نزدیک شدن منافع کشورهای منطقه همزمان با کاهش نقش آمریکا در بازار نفت، فرصت مغتنمی است که از آن به عنوان ابزار همگرایی منطقه‌ای (بر مبنای منفعت بلندمدت کشورهای صادر کننده نفت) و همچنین امنیت سازی بلندمدت برای فروش نفت بهره بگیریم. تأسیس صندوق نفتی منطقه که درصدی از مازاد درآمد کشورهای صادر کننده را در خود جای دهد و برای اهداف سیاست بین‌المللی مورد توافق و اهداف ملی کشورهای عضو به کار افتد. یکی از پیشنهادهایی است که شاید امکان پیگیری آن از طریق بانک توسعه اسلامی و با اهدافی چون بازار مشترک کشورهای مسلمان منطقه میسر باشد.

دومین راهبرد، تعیین خطوط قرمز جدی و اولویتهای کارشناسی شده برای مازاد درآمد نفتی کشور است به طوریکه از هزینه کردن آن در مصارف جاری دولت جداً پرهیز شود و راهکاری برای تزریق کارا، مزیت‌مند و غیررانتی آن به بخش غیردولتی طراحی گردد. تعیین چند

اولویت محدود با ضوابط ملموس برای ابعاد مختلف توسعه اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام از اساسی‌ترین گام‌هایی است که نباید با آفات تجربه شده رانت‌زایی و دولت‌گرایی همراه شود. اگر بپذیریم که درآمدهای رانتهای دولت از نفت آثار زیانباری برای کارایی ساختار اقتصاد، عدم تعادل انگیزه‌های تولید - مصرف و مردمسالاری و پاسخگویی دولت دارد، آنگاه تعیین خطوط قرمز جدی و کارشناسی شده بیشتر اهمیت خویش را در شرائط افزایش قیمت‌ها نشان می‌دهد. انضباط مالی دولت در قبال موجودی صندوق ذخیره ارزی و به کار انداختن بهینه آن جهت توانمندسازی بخش خصوصی یا سرمایه‌گذاری بهینه و جوه آن در قالب شرکتها یا بازارهای بین‌المللی نیز در زمره دیگر ابعاد این راهبرد قابل ذکراند.

راهبرد سوم، استفاده از فرصت رشد قیمت نفت جهت همگام سازی دیگر بخشهای اقتصادی و کاهش فاصله آنها با بخش پیشرو می‌باشد. توسعه و بومی کردن تولید دانش و فناوریهای اثرگذار در بخشهای دیگر اقتصاد و سرمایه‌گذاری در ارتقاء بهره‌وری نیروی کار و سرمایه (به نحو درونزا که ایران را به کشورهای پیشرو در مرز دانش‌های نظری، انسانی و فنی قرار دهد) شاید بهترین استفاده ایست که می‌توان آن را تبدیل سرمایه طبیعی به سرمایه انسانی و نرم افزاری نام نهاد.

همه راهبردهای مذکور در صورتی امکان تحقق پیدا می‌کنند که سیاستگذاران و مدیران کلان و بخشی، موضوع رشد درآمدهای نفتی را به چشم یک فرصت تاریخی و مسئولیت توسعه ملی نگاه کنند و لوازم بهینه بودن سیاست‌ها و مدیریت‌ها را مورد مطالعه قرار دهند.

## منابع

- مباحث مطرح شده در جلسه کمیته اقتصادی مؤسسه یاس، فروردین ۱۳۸۴.
- «علل افزایش قیمت‌های نفت»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهمن ماه ۱۳۸۳.
- «چگونگی قیمت‌گذاری نفت خام در بازارهای بین‌المللی»، دکتر سعید احدی فر، ویژه نامه رسالت اقتصادی، فروردین ۱۳۸۴.
- «صنعت نفت: خام‌فروشی و ضعف تدبیر»، ماهنامه اقتصاد ایران، اسفند ۱۳۸۲.